

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی در پرتو اقدامات کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد

عبداله عابدینی* و مسعود علیزاده**

DOI: 10.22034/IRUNS.2023.168483

تاریخ پذیرش: ۲۹-۰۸-۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۲۳-۰۴-۱۴۰۱

چکیده

قواعد عرفی بین‌المللی همواره جایگاه ویژه‌ای در نظام منابع حقوق بین‌الملل داشته و دارند. شکل اولیه قواعد حقوق بین‌الملل مبتنی بر عرف بوده؛ قواعد معاهداتی در اثر رویکرد کشورها تبدیل به قواعد عرفی شده و تعهدات معاهداتی را برای دولت‌های غیرعضو الزام‌آور می‌سازند؛ با تحولات روز انطباق می‌یابند و در نهایت، این که در زمان حیات معاهدات و حتی با اختتام حیات معاهدات، به حیات خود ادامه می‌دهند. از این رو، می‌توان قاعده عرفی در حقوق بین‌الملل را از یک سو، «قاعده طلایی» حقوق بین‌الملل و از سوی دیگر، «عنصر نامیرای منابع حقوق بین‌الملل» نامید. توجه به موازین شکل‌گیری این منبع مهم تا سال‌ها در اولویت کمیسیون حقوق بین‌الملل جهت انجام طرح مطالعاتی زیربط قرار نداشت. در سال ۲۰۱۲ این مهم صورت گرفت و در اثر انتشار گزارش‌های گزارشگر ویژه طرح مزبور، کشورهای مختلف از جمله ایران نیز در کمیته ششم مجمع عمومی مواضع خود را در خصوص ابعاد مختلف این گزارش‌ها و محصول نهایی این طرح مطالعاتی ابراز نمودند. مطالعه رویکرد ایران نسبت به گزارش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل که موضوع اصلی مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد، نشانگر رویکرد احتیاطی ایران در مواجهه با جوانب مختلف قاعده عرفی حقوق بین‌الملل از جمله اثر عدم اقدام در شکل‌گیری رویه دولتی و اعتقاد حقوقی و شرایط حاکم بر نهاد معترض مستمر در فرایند شکل‌گیری قاعده عرفی حقوق بین‌الملل می‌باشد.

واژگان کلیدی: ایران - کمیسیون حقوق بین‌الملل - حقوق بین‌الملل عرفی - عدم اقدام - معترض مستمر.

* عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت)

** عضو هیأت علمی. دانشگاه پیام نور. تهران. ایران.

مقدمه

قاعده عرفی به عنوان منبع حقوق بین‌الملل، دارای ویژگی‌های مختلفی می‌باشد که موجب شده به‌رغم برخی ادعاها مبنی بر کهنگی و عدم نیاز به قواعد عرفی در عصر تدوین گسترده در حقوق بین‌الملل،^۱ موقعیت ممتازی در میان منابع حقوق بین‌الملل به خود اختصاص دهد. اگر حقوق را آئینه تمام‌نمای روابط تابعانش در یک نظام حقوقی قلمداد کنیم، قواعد عرفی به بهترین نحو ممکن بیانگر ایجاد قواعد لازم در پرتو ضرورت‌های زیست اجتماعی و در نتیجه، نیازهای جامعه برای ایجاد قواعد حقوقی است.^۲

ضمن این که برخی حوزه‌های حقوق بین‌الملل که هنوز در آنها قواعد معاهداتی به حد کافی وجود ندارد، عمدتاً تحت سیطره قواعد عرفی قرار دارند. حتی در حوزه‌هایی که قواعد معاهداتی روابط موضوعات حقوق بین‌الملل را تنظیم می‌کنند، مسائلی وجود دارند که تحت قاعده معاهداتی درنیامده‌اند. ضمن این که در این حوزه‌ها، رابطه میان طرف‌های عضو معاهده و دولت‌هایی که به معاهده یا معاهدات مزبور، نیبوسته‌اند، مطابق با قواعد عرفی حقوق بین‌الملل

^۱ برخی حقوقدانان معتقدند با توجه به شتاب تحولات روابط بین‌الملل، قواعد عرفی قادر به پاسخگویی لازم نیست. در واقع، قواعد عرفی زمانی که آهنگ شتاب روابط بین‌الملل به نحوی بود که در سایه همزیستی مسالمت‌آمیز دولت‌ها نیاز به ایجاد و تثبیت برخی قواعد جهت برآوردن نیازهای زمان خود داشتند، امری پذیرفتنی بود. اما سازوکارهای دیگری در دوران معاصر برای تنظیم موقعیت‌های مختلف بین‌المللی نیاز است تا بتواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، چارچوب‌های هنجاری لازم را برای پاسخگویی به نیازهای بین‌المللی ایجاد نماید. در این خصوص می‌توان به سازوکارهای انعقاد معاهده به دو شکل سخت و نرم توجه داشت. ر.ک:

Joel P. TRACHTMAN, *The Growing Obsolescence of Customary International Law*, in Curtis Bradly (ed.), *Custom's Future: International Law in a Changing World*, (England: Cambridge University Press, 2016), pp 172-204.

در پاسخ به ادعای این دسته از حقوقدانان باید گفت، شالوده بسیاری از قواعد جاری در حقوق بین‌الملل مبتنی بر ویژگی عرفی است؛ اعم از این که هنوز به شکل معاهداتی تدوین نشده باشند یا این که به‌رغم تدوین معاهداتی، در قالب عرفی نیز قابلیت استناد و اجرا دارند. حتی اگر قواعد عرفی برای پاسخگویی به نیازهای شتابان جامعه بین‌المللی امروز، به حد کافی دارای سرعت عمل نباشند، اما باید توجه داشت، در صورت ایجاد قواعد معاهداتی نیز، وجه عرفی برخاسته از این قواعد می‌تواند تنظیم‌گر روابط میان دولت‌های عضو و غیرعضو معاهدات ذریبط قرار گیرد.

^۲ شهرام زرنشان، شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌المللی عرفی، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۲)، ص ۲۹.

تنظیم می‌شوند. در این حالت، گاه مشاهده می‌شود که قاعده مندرج در معاهدات، برای دولت‌های غیرعضو در گذر زمان به شکل یک قاعده عرفی متبلور شده است. ضمن این که گاه معاهداتی هنوز به مرحله لازم‌الاجرای نرسیده‌اند اما مفاد آن برای دولت‌ها به مثابه نشانه‌ای از وجود یا تبلور قاعده عرفی در نظر گرفته شده است.^۳ علاوه بر این، در برخی قواعد معاهداتی نیز به صراحت به قواعد عرفی اشاره شده است که می‌تواند در مقام اجرا یا تفسیر قواعد معاهداتی به کار گرفته شوند. گاهی نیز مسائلی در حقوق بین‌الملل مطرح می‌شوند که ریشه ایجاد حق در زمان‌های گذشته بوده و به‌رغم وجود قواعد معاهداتی در دوران معاصر، برای احراز وجود حق ذریبط باید به قواعد عرفی آن زمان در قالب قاعده حقوق بین‌زمانی مراجعه کرد. در نهایت، با وجود قاعده معاهداتی، قاعده عرفی که از محتوای مشابه برخوردار است و در میان طرف‌های معاهده‌ای یکسانی نیز اعمال می‌شود، به طور مستقل به حیات خود ادامه می‌دهد.^۴ این دست ویژگی‌ها برای یک منبع در حقوق بین‌الملل، موقعیت ممتازی فراهم آورده است که به جرات می‌توان قاعده عرفی را بر اساس این ویژگی‌ها، «قاعده طلایی حقوق بین‌الملل» در معنای قابلیت اعمال در موقعیت‌های مختلف و همچنین، «قاعده نامیرای حقوق بین‌الملل» به معنای زندگی و پویایی از لحظه زایش قاعده عرفی تا زمان زایش قاعده عرفی دیگر در همان حوزه موضوعی نامید.

در پرتو توجه به این ویژگی‌ها، در سال ۲۰۱۱ کارگروهی در کمیسیون حقوق بین‌الملل پیشنهاد درج موضوع مطالعاتی بر روی نحوه شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌الملل را به صورت یک برنامه طولانی مدت مطرح نمود. در سال بعد، تصمیم نهایی کمیسیون بر این بود که موضوع در دستور کار کمیسیون قرار گیرد و آقای مایکل وود از بریتانیا به عنوان گزارشگر ویژه طرح برگزیده شد. وی از سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ در مجمع ۵ گزارش به کمیسیون ارائه کرد. ماحصل

³ Draft Conclusions on Identification of Customary International Law, with Commentaries, Yearbook of the International Law Commission, 2018, Vol. II, Part Two, p 368.

⁴ Draft Conclusion on Identification of CIL, Supra note 3., footnote 663.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی...————عابدینی و عزیزاده

نهایی کار وی نیز ۱۶ ماده به صورت پیش‌نویس نتایج در خصوص اصول حاکم بر شکل‌گیری قواعد عرفی بین‌المللی بود. در طی ۶ سال مطالعه، علاوه بر امکان ارسال نظرات کتبی دولت‌ها به صورت نظر شخصی به گزارشگر که بر روی تارنمای کمیسیون قرار می‌گرفت، کمیته ششم مجمع عمومی نیز به طور مرتب گزارش‌های گزارشگر ویژه را در جلسات سالیانه خود در کنار سایر موضوعات در حال مطالعه در کمیسیون، مورد نقد و بررسی قرار می‌داد. ایران نیز در کنار سایر دولت‌های عضو کمیته ششم مجمع، دیدگاه‌های خود را در خصوص ابعاد مختلف گزارش‌های ارائه شده از سوی آقای وود ابراز می‌نمود. نظر به اهمیت و جایگاه قاعده عرفی در مجموعه منابع حقوق بین‌الملل، تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های ایران برای تبیین مواضع کشور در خصوص نحوه نگرش به اصول حاکم بر شکل‌گیری و شناسایی قاعده عرفی حائز اهمیت است. در واقع، فایده مطالعه رویکرد کلی ایران نسبت به شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی از یک سو موجب جمع‌آوری دیدگاه‌های رسمی ابراز شده از سوی ایران در این خصوص شده و از سوی دیگر، امکان عملی مطالعه علمی دیدگاه ایران را در این زمینه فراهم می‌آورد. مزیت دیگر این امر، امکان ارائه تصویری کامل از دیدگاه ایران در این خصوص است تا در موضع‌گیری‌های بعدی کشور، دعاوی بین‌المللی در حال رسیدگی که یک طرف آن ایران یا نهادهای وابسته به دولت ایران هستند، تمرکز بر سیاست کلی کشور در خصوص شناسایی قواعد عرفی بین‌المللی و ارائه دیدگاه لازم به نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی در کشور نسبت به مواضع کلی کشور در این خصوص مدنظر قرار گیرد.^۵

^۵ شاید این ملاحظه مطرح شود که بهتر است دیدگاه ایران در کنار نکات و ملاحظات کمیسیون حقوق بین‌الملل در یک بخش مطرح شود اما این کار به چند دلیل امکان‌پذیر نیست. نخست این که به نظر می‌رسد بهتر است از نظر تحولات زمانی و همچنین، دریافت دیدگاه کلی کمیسیون، ابتدا سیر مطالعاتی کمیسیون در خصوص موضوع قواعد عرفی مطرح و سپس به دیدگاه‌های ایران در قالب واکنش به بررسی اقدامات کمیسیون حقوق بین‌الملل در کمیته ششم مجمع عمومی پرداخته شود. دوم این که بیان رویکرد ایران مستلزم بررسی برخی دیدگاه‌های ایران در محضر محاکم بین‌المللی بود که این امر نیز سنخیتی با مباحث جزئی کمیسیون ندارد و درج آنها در کنار مباحث کمیسیون باعث طولانی شدن مباحث و ملال خواننده می‌شود. سوم این که تحلیل نهایی نتایج پایانی طرح مطالعاتی کمیسیون و

بر همین اساس، در ادامه، در بخش نخست، نگاهی به فرایندها و برابند نهایی کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد موضوع «شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی» خواهیم داشت و در بخش دوم، دیدگاه ایران را نسبت به گزارش‌های کمیسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

۱) طرح مطالعاتی «شناسایی قواعد عرفی بین‌المللی»

۱-۱) نگاهی به آورده‌های طرح مطالعاتی کمیسیون حقوق بین‌الملل

همان‌گونه که گفته شد، کمیسیون حقوق بین‌الملل پس از گذشت ۶ سال، در قالب ۱۶ پیش‌نویس به صورت اصول راهنما، نتیجه نهایی طرح مطالعاتی خود را در زمینه «شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی» ارائه نمود.^۶ گزارشگر کمیسیون از زمان صدور نخستین گزارش خود در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد که هدف کمیسیون روش‌شناسی چگونگی شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل

بررسی دیدگاه ایران در بخش انتهایی مقاله به نحوی مطرح شده که امکان بررسی تطبیقی ره‌آورد کمیسیون و نکات ایران بر آن را فراهم می‌نماید.

^۶ شایان ذکر این که انجمن حقوق بین‌الملل نیز از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰ کمیته‌ای با موضوع «شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی (عام)» را تأسیس کرد و در نهایت، پس از ۱۵ سال و ارائه شش گزارش، گزارش نهایی خود را در ۳۳ بخش به همراه شرح و تفسیر مربوطه در ۶۶ صفحه ارائه کرد. نگاهی به ۱۶ ماده پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۱۸ و ۳۳ بخش ارائه شده از سوی انجمن حقوق بین‌الملل در مورد موضوع شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد که نحوه تفکر گزارشگران و خروجی مواد تا حد بسیاری مشابه یکدیگر بوده است. البته شاید داشتن تابعیت انگلیسی هر دو گزارشگر کمیسیون و انجمن در این نحوه تفکر بی‌اثر نبوده باشد. با این حال، با توجه به فضای علمی این دو نهاد که یکی مستقل و دیگر وابسته به یک نهاد بین‌دولتی است و همچنین، گذر زمان ۱۸ ساله از سال ۲۰۰۰ به بعد و طرح پرونده‌های بیشتر در دیوان بین‌المللی دادگستری و محاکم داخلی کشورها، موجب شده دامنه مطالعاتی و وسعت نگاه کمیسیون بیشتر از انجمن باشد به نحوی که توجه به برخی مواد پیشنهادی کمیسیون از جمله ملاحظه اثرگذاری تصمیمات محاکم داخلی و بین‌المللی، آموزه‌های برجسته‌ترین حقوقدانان بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی منطقه‌ای یا محلی این مدعا را ثابت می‌نماید. ضمن این که انجمن در کار مطالعاتی مورد بحث، در حوزه اثرگذاری تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی بر روند شکل‌گیری قاعده عرفی، تنها بر مجمع عمومی سازمان ملل تمرکز کرده است. در حالی که کمیسیون تصمیمات تمامی سازمان‌های بین‌المللی را تحت شرایطی مدنظر قرار داده است. برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

International Law Association, Committee on Formation of Customary International Law, London Conference 2000.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی...^۷ عابدینی و علیزاده عرفی است تا از این طریق وجود و محتوای قاعده عرفی تعیین گردد.^۷ از این جهت، وی در گزارش نهایی خود معتقد است که پیش‌نویس نتایج نهایی طرح، انعکاسی از رهیافت‌های پذیرفته شده از سوی دولت‌ها، محاکم و بیشتر نویسندگان است.^۸

رهیافت کمیسیون به شناسایی قواعد عرفی مبتنی بر فرمول ۲ عنصری رویه دولتی و اعتقاد حقوقی است. در واقع، کمیسیون معتقد است، معیار اصلی در این خصوص همواره باید این پرسش باشد که آیا یک رویه عام وجود دارد که به صورت قاعده حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته باشد؟^۹ در این راستا، کمیسیون معتقد است ترتیب احراز این دو عنصر، امری الزامی نیست.^{۱۰} از این رو، در نظر کمیسیون، رهیافت دو عنصری در تمام رژیم‌های حقوق بین‌الملل وجود دارد و با وحدت و انسجام حقوق بین‌الملل به مثابه یک نظام حقوقی واحد، همخوانی دارد.^{۱۱} عمومیت رویه از نظر کمیسیون بدین معناست که عملکرد دولتی به حد کافی گسترده بوده، نمایانگر عملکرد طیف‌های مختلفی از دولت‌ها از مناطق جغرافیایی مختلف باشد، یکسان بوده و دارای همخوانی و سازگاری (در معنای امکان برداشت یک الگوی رفتاری مشخص) باشند. در این حالت، حتی نقض قاعده در حال شکل‌گیری نیز لزوماً مانع از شکل‌گیری رویه لازم به عنوان عنصر مادی قاعده عرفی نمی‌شود.^{۱۲} در این خصوص، رویه آن دسته از دولت‌هایی مدنظر خواهد بود که قابلیت یا فرصت اعمال قاعده ادعایی عرفی را داشته باشند. در چارچوب بحث قابلیت، رویه دولت‌های اثرگذار (مانند عرصه دریانوردی یا فضانوردی) باید مورد توجه باشند. از این رو، رویه نباید جهانی باشد و حتی رویه دولتی اندک در صورت عدم اقدام سایر

⁷ Draft Conclusion on Identification of CIL, Supra note 3, p 122

گزارشگر معتقد است دلیل استفاده از دو واژه «وجود» و «محتوای» قاعده عرفی آن است که گاهی وجود قاعده محل تردید نیست بلکه قلمرو آن، محل اختلاف است. ر.ک:

Ibid., p 123

⁸ Ibid., p 123.

⁹ "The test must always be: is there a general practice that is accepted as law?", See: Draft Conclusion on Identification of CIL, Supra. note 3, p 125.

¹⁰ Ibid., p 129.

¹¹ Ibid., p 125.

¹² Ibid., p 137.

دولت‌ها در مقام بیان اعتقاد حقوقی نیز می‌تواند در نظر گرفته شود.^{۱۳} کمیسیون به صراحت اعلام می‌کند که گذر زمان خاصی برای شکل‌گیری عرف لازم نیست؛ هرچند میزانی از گذشت زمان لازم است. بر همین اساس، عرف آنی امکان تحقق پیدا نمی‌کند؛ هرچند کمیسیون اذعان دارد که در برخی حوزه‌های حقوق بین‌الملل مانند حقوق فضا و دریاها، سرعت شکل‌گیری قاعده عرفی به نسبت سایر حوزه‌ها، بیشتر است.^{۱۴}

نکته بسیار مهمی که گزارشگر طرح مدنظر قرار می‌دهد و با تأیید کمیسیون همراه است آن که در بررسی احراز دو عنصر رویه عام و پذیرش به عنوان قاعده حقوقی، باید به چند عامل توجه کرد. نخست، «زمینه»^{۱۵} یا رژیم حقوقی بین‌المللی (مانند حقوق فضا، دریاها، مصونیت و مسوولیت) است که قاعده مزبور در آن مدنظر قرار می‌گیرد. دوم، «ماهیت»^{۱۶} تجویزی یا ممنوع‌کنندگی قاعده است. در این حالت، اگر ماهیت قاعده ممنوعیت‌ساز باشد، معمولاً رویه دولتی کمتری یافت می‌شود و در این حالت، «عدم اقدام»^{۱۷} دولت‌ها بیشتر قابل مشاهده است. سوم، «شرایطی»^{۱۸} است که ادله شکل‌گیری قاعده عرفی در آن ایجاد شده یا عمل می‌شوند. «ادله»^{۱۹} در اینجا به معنای ادله نزد محاکم نیست بلکه به معنای موسع کلمه به کار رفته تا نشانگر مواد مرتبط با احراز قاعده عرفی باشد.^{۲۰}

در خصوص بررسی عنصر رویه، کمیسیون، اولویت را به رویه دولت‌ها اختصاص می‌دهد و معتقد است این اولویت هم از منظر ترتیب تابعان حقوق بین‌الملل است و هم از نظر اهمیت رویه دولتی نسبت به رویه سازمان‌های بین‌المللی.^{۲۱} کمیسیون اوصافی را برای عملکرد دولتی مدنظر

¹³ Ibid., p 136.

¹⁴ Ibid., p 138.

¹⁵ Context

¹⁶ Nature

¹⁷ Inaction

¹⁸ Circumstances

¹⁹ Evidence

²⁰ Ibid., pp 127-128.

²¹ Ibid., p 130.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی...^{۲۲} عابدینی و عزیززاده قرار می‌دهد. نخست این که عملکرد دولتی باید به صورت عمومی ابراز شود تا در عداد رویه دولتی قرار گیرد. اظهارات شفاهی و امتناع عمدی از انجام اقدام نیز بخشی از عملکرد دولتی محسوب می‌شوند. عملکرد مشترک چند دولت نیز می‌تواند به عنوان رویه محسوب شود. ضمن این که لزومی ندارد رویه دولت در برابر سایر دولت‌ها باشد بلکه عملکرد دولت با اتباع خود نیز می‌تواند مصداقی از رویه دولتی تلقی شود.^{۲۳} در ارزیابی رویه دولتی، نکته مهم آن است که رویه مزبور باید جامعیت داشته باشد و رویه مرتبط همه ارگان‌های دولتی به صورت یک کل مدنظر قرار گیرد. بر همین اساس، اگر همخوانی در رویه ارگان‌های دولتی در گذر زمان وجود نداشته باشد، رویه مزبور در مجموعه رویه دولت‌ها واجد کمترین اثر ممکن خواهد بود. در این میان، وزن رویه آن دسته از ارگان‌های دولتی بر سایر ارگان‌ها برتری دارد که در ساختار قانون اساسی کشور مزبور در مرتبه بالاتری قرار داشته باشند.^{۲۴} در نهایت، کمیسیون اقدامات زیر را به عنوان تجلی رویه دولتی به صورت تمثیلی برمی‌شمارد: اقدامات و مکاتبات دیپلماتیک؛ اقداماتی که در راستای قطعنامه‌های مصوب یک سازمان یا کنفرانس بین‌المللی به انجام می‌رسد؛ اقدامات مرتبط با معاهدات؛ اقدامات اجرایی مانند اظهارات مقامات رسمی کشور در محافل بین‌المللی یا اقدامات عملیاتی روی زمین مانند اقدامات مرتبط با اجرای قانون و توقیف اموال؛ و، تصمیمات محاکم داخلی.^{۲۴}

در مقابل، کمیسیون، اهمیت و وزن رویه سازمان‌های بین‌المللی را مشروط به چند عامل می‌داند. نخست آن که موضوع قاعده عرفی مورد بحث در چارچوب وظایف و کارکردهای سازمان مزبور باشد. دوم آن که قاعده عرفی مزبور به طور خاص در مورد سازمان ذیربط یا به

²² Ibid.

²³ Ibid., p 135.

²⁴ Ibid., p 133; Conclusion 6 (2).

گزارشگر در این خصوص اشاره دارد که تصمیمات محاکم ملی و در موضوع دکترین به عنوان ادله شناسایی قاعده عرفی متفاوت از نقش آنها به عنوان منبع فرعی حقوق بین‌الملل در معنای ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است. ر.ک:

Ibid., p 134.

طور کلی، سازمان‌های بین‌المللی نیز به کار رفته باشد مانند حوزه مسوولیت سازمان‌ها. سوم، تفویض اختیارات هرچه بیشتر از سوی اعضا به سازمان و کمیت قابل توجه اعضای سازمان؛ چهارم، ماهیت سازمان و ماهیت ارگان‌های سازمان؛ پنجم این که آیا عملکرد سازمان با عملکرد اعضایش همخوانی دارد و این که آیا عملکرد سازمان ذریبط خارج از حوزه اختیارات سازمان است یا خیر.^{۲۵}

در مورد رویه سایر تابعان حقوق بین‌الملل نیز به شرط ارتباط عملکرد مزبور با رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در واقع، رویه بازیگران غیردولتی در ایجاد یا تعیین و تفسیر رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی کمک‌کننده هستند.^{۲۶}

پیرامون تعریف اعتقاد حقوقی، کمیسیون معتقد است اگر دولت‌ها به نحوی رفتار کنند که دلیل آن، احساس یا اعتقادشان به التزام یا باور حقوقی به انجام کاری بر اساس یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی باشد، در این حالت، آن رویه و الگوی رفتاری را به عنوان یک حق و امتیاز یا به عنوان یک تعهد برای خویش در نظر می‌گیرند. این همان معنای اعتقاد حقوقی است.^{۲۷} به نظر کمیسیون، درگیر شدن در فرایند ایجاد یک قاعده عرفی یا در موقعیت واکنش نشان دادن به آن، اعتقاد حقوقی تابع مخاطب حقوق بین‌الملل را مشخص خواهد کرد. به لحاظ گستره نیز پذیرش گسترده از مناطق مختلف جهان همراه با عدم یا اندک اعتراض احتمالی، برای اثبات اعتقاد حقوقی کافی است. در نقطه مقابل، نامتحد بودن جامعه جهانی نسبت به داشتن اعتقاد حقوقی در خصوص یک قاعده عرفی نمی‌تواند منجر به ایجاد آن شود.^{۲۸} اثر اعتقاد حقوقی نسبت به رویه به حدی است که اگر اظهارنظری مخالف با رویه دولتی از سوی یک دولت ابراز شود، می‌تواند اثر رویه و عملکرد مزبور را خنثی نماید. ضمن این که عدم واکنش به یک موضوع که نیازمند انجام یک واکنش در یک مدت زمان معقول است، می‌تواند بیانگر اعتقاد حقوقی دولت باشد. در این

²⁵ Ibid., p 131.

²⁶ Ibid., p 132.

²⁷ Ibid., p 138.

²⁸ Ibid., p 139.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی... عابدینی و عزیززاده

حالت، کمیسیون دو شرط را برای عدم واکنش ذکر می‌کند. نخست آن که واکنش به عملکرد ذریب‌خواسته شده باشد. دوم، دولت در موقعیت انجام واکنش بوده یعنی می‌دانسته که رویه مزبور در حال انجام است و زمان و توانایی کافی برای ارائه واکنش مثبت یا منفی داشته اما اقدامی نکرده است.^{۲۹} نکته جالب آن که کمیسیون تقریباً همان مواردی را که به عنوان مصادیق رویه قلمداد می‌نماید برای احراز اعتقاد حقوقی نیز مورد استفاده قرار می‌دهد. پیش‌نویس نتیجه شماره ۱۰ در بند دوم خود به صورت تمثیلی از موارد زیر نام می‌برد: بیانیه‌های عمومی که از طرف دولت ابراز می‌شوند؛ انتشارات رسمی دولت (اسنادی که به نام دولت منتشر می‌شوند)؛ اعتقاد حقوقی قوه مجریه که در قالب دیدگاه مشاوران حقوقی دولت‌ها مطرح می‌شوند (البته به شرطی که دولت ذریب‌بر اساس آن دیدگاه‌ها اقداماتی را به عمل آورد)؛^{۳۰} مکاتبات دیپلماتیک؛ تصمیمات محاکم ملی؛ مقررات معاهداتی؛ اقدامات انجام شده در راستای قطعنامه‌های مصوب سازمان‌های یا کنفرانس‌های بین‌المللی.^{۳۱}

۲) رویکرد ایران به قواعد عرفی

۱-۲) دادرسی‌های بین‌المللی

در این قسمت به طور مشخص به دعاوی ایران نزد دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان دعاوی ایران و ایالات متحده می‌پردازیم. در پرونده سانحه هوایی ۳ جولای ۱۹۸۸ در خصوص هواپیمای ایرباس، ایران در مقام مدعی نقض توسل به زور علیه هواپیمای غیرنظامی از سوی

²⁹ Ibid., p 142.

³⁰ Ibid., p 141.

³¹ برای احتراز از طولانی شدن مطلب، در خصوص ارتباط قاعده عرفی با سایر منابع حقوق بین‌الملل، ر.ک:

Ibid., pp 143-150.

و همچنین بنگرید به: سیدقاسم زمانی، «حقوق قراردادی و تدوین قواعد عرفی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر قضیه نیکاراگوئه» (۱۳۷۵) مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۰، صص ۲۸۵-۳۳۴.

ایالات متحده، این اقدام را نقض توسل به زور به عنوان قاعده عرفی حقوق بین‌الملل قلمداد می‌کند.^{۳۲}

همچنین، ایران معتقد بود لازم است تا برای بررسی تفسیر و اجرای معاهده مودت، شماری از هنجارهای آمره حقوق بین‌الملل عرفی به خصوص در ارتباط با توسل به نیروی نظامی و رعایت حاکمیت سرزمینی یک دولت مورد بررسی قرار گیرد زیرا این قواعد در قواعد معاهداتی نیز منعکس شده‌اند و از این رو، می‌توانند قلمرو این قواعد را مشخص نمایند.^{۳۳}

در جای دیگری از این لایحه، ایران معتقد است اقدامات ایالات متحده در سرنگونی هواپیمای ایرباس نقض ماده ۱ کنوانسیون شیکاگو و اصول مهم حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص مداخله در حاکمیت کامل و انحصاری دولت‌های دیگر بر فضای هوایی تلقی می‌گردد.^{۳۴} از نظر ایران، محتوای ماده ۳ مکرر که به عنوان پروتکل کنوانسیون شیکاگو شناخته می‌شود، تدوین حقوق عرفی از پیش موجود بوده است.^{۳۵} در همین راستا، ایران تعهد به رعایت حاکمیت دولت‌ها و عدم توسل به زور را نیز در زمره قواعد عرفی می‌داند که علاوه بر کنوانسیون شیکاگو در مورد معاهده مودت نیز به عنوان دیگر عنوان صلاحیتی دیوان کاربرد دارد.^{۳۶}

موضع دیگر ایران در این لایحه، بررسی عرفی بودن عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی کشور ساحلی و استثنائات آن می‌باشد که با توسل به کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در مورد دریای سرزمینی و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و همچنین، توسل به رویه قضایی دیوان در قضایای کانال کورفو و فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی ایالات متحده در و علیه نیاکاراگوئه به اثبات عرفی بودن آن می‌پردازد.^{۳۷}

³² Memorial of the Islamic Republic of Iran, Aerial Incident of 3 July 1988 (Islamic Republic of Iran v. United States of America), 24 July 1990, para 3.

³³ Ibid., para 3.3.

³⁴ Ibid., para 3.12.

³⁵ Ibid., para 3.14.

³⁶ Ibid., para 3.69.

³⁷ Ibid., paras 3.82- 3.85.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی...—————عابدینی و علیزاده

در قسمت مجزایی از لایحه، ایران به تفصیل به موضوع نقض حقوق بی‌طرفی از سوی ایالات متحده در سرنگونی هواپیمای ایرباس و سایر اقدامات این کشور در جنگ تحمیلی به عنوان تجلی یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی می‌پردازد. در این زمینه ایران به مقررات مختلف کنوانسیون‌های پنجم^{۳۸} و سیزدهم^{۳۹} ۱۹۰۷ لاهه در زمینه بی‌طرفی در جنگ و همچنین، رویه دولت‌ها از جمله خود ایالات متحده پیش و پس از سال ۱۹۴۵ در مورد بی‌طرفی در جنگ اشاره می‌نماید.^{۴۰} از نظر ایران، مقررات مندرج در این دو کنوانسیون، انعکاسی از مقررات حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه بی‌طرفی است.^{۴۱} از طرفی دیگر، ایران مقررات بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و ماده ۳ مکرر کنوانسیون شیکاگو را انعکاسی از حقوق بین‌الملل عرفی می‌داند.^{۴۲}

در پرونده‌ای دیگر، ایران در لایحه خود در قضیه سکوها‌ی نفتی در زمان اشاره به تعهدات ایالات متحده در قبال ایران در زمان جنگ تحمیلی به ماهیت عرفی تعهد بر بی‌طرفی در زمان مخاصمه مسلحانه توجه می‌دهد. ضمن این که ایران در جای دیگری معتقد است مقررات معاهده مودت دارای ویژگی ارجاع به یا حتی تدوین اصول حقوق بین‌الملل عام است و برای توضیح منظور خود به رویه دیوان در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده در سال ۱۹۸۶ اشاره دارد که دیوان اعلام می‌دارد ممکن است یک قاعده به دو شکل معاهداتی و عرفی بتواند با محتوایی یکسان به حیات خود ادامه دهد.^{۴۳}

در بخش دیگری از لایحه، ایران معتقد است مقررات معاهده مودت باید بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل در کل مورد تفسیر قرار گیرد؛ اعم از مقررات معاهداتی و عرفی قابل اجرا میان ایران و ایالات متحده. از منظر ایران، هنگامی که مقررات حقوق بین‌الملل عام در یک معاهده

³⁸ Convention relative to the Rights and Duties of Neutral Powers and Persons in case of War on Land, 1907.

³⁹ Convention concerning the Rights and Duties of Neutral Powers in Naval War, 1907.

⁴⁰ Ibid., para 3.101.

⁴¹ Ibid., para 4.41.

⁴² Ibid., para 4.46.

⁴³ Oil Platforms Case, Memorial of Iran, 1993, para 1.75.

درج می‌گردند، این پیامد را به همراه دارند که سازوکارهای تضمین اجرای مقررات معاهداتی را می‌توان برای اجرای مقررات عرفی نیز در نظر گرفت که به بخش جدایی ناپذیر از معاهده تبدیل شده‌اند. از نظر ایران، اثر دیگر تدوین قاعده عرفی در یک معاهده آن است که نقض یک قاعده حقوق بین‌الملل عام در عین حال، تا جایی که اجرای قاعده عرفی مورد بحث به طور خاص در یک مقرر معاهداتی نیز خواسته شده باشد، نقض تعهد معاهداتی نیز قلمداد می‌شود.^{۴۴}

در تفسیر ماده ۱ معاهده مودت ایران بر این نظر است که درج عبارت «صلح دائمی و پایدار باید برقرار باشد» یک بیان صریح دارد؛ بدین بیان که طرفین معاهده مودت در روابط دوجانبه خود متعهد به رعایت قواعد عرفی و معاهداتی ممنوع‌کننده تهدید یا توسل به زور در روابط بین‌الملل هستند جز در مواردی که دفاع مشروع قانونی بر اساس بند ۱ ماده ۴ و ماده ۵۱ منشور ملل متحد مدنظر قرار گیرد. بر این اساس ایران چنین نتیجه‌گیری می‌کند که نقض این قواعد در روابط میان طرف‌ها در عین حال به معنای نقض معاهده مودت نیز تلقی می‌گردد. از این منظر، ایران معتقد است که ایالات متحده مرتکب نقض معاهده مودت و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مربوط به اعمال و تفسیر معاهده مودت شده است.^{۴۵} البته این نحوه تفسیر ایران از موضوع توسل به زور به عنوان یکی از توجیهاات محتمل در معاهده مودت و ممنوعیت آن در پرتو حقوق بین‌الملل عرفی، در سال ۲۰۰۳ در تصمیم نهایی دیوان، مدنظر قرار گرفت.^{۴۶}

ضمن این که ایران در زمان پاسخ به ایرادات مقدماتی ایالات متحده در این پرونده مبنی بر این که ادعاهای ایران صرفاً مبتنی بر قواعد عرفی است و نه مقررات معاهده مودت، چنین اظهار می‌دارد «زمینه‌ای که ایران در آن به قواعد حقوق بین‌الملل عرفی اشاره دارد مبتنی بر دو حوزه است: یا به عنوان قواعدی است که به تفسیر و اجرای مقررات معاهده مودت کمک می‌کند و یا

⁴⁴ Ibid., paras 2.31, 3.12, 3.18.

⁴⁵ Ibid., paras 3.31, 5.1.

⁴⁶ Oil Platforms Case, ICJ Reports 2003, para 42 et seq.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی... عابدینی و عزیزاده
قواعدی است که ارتباطی به تعیین صحت و سقم اعتبار دفاع ایالات متحده در استناد به دفاع
مشروع دارند.^{۴۷}

ایران در پاسخ به ادعای متقابل ایالات متحده در پرونده سکوه‌های نفتی معتقد است که
حملات انجام شده از سوی ایالات متحده علیه سکوه‌های نفتی ایرانی نقض حقوق بین‌الملل عرفی
و منشور ملل متحد است.^{۴۸} در خصوص بی‌طرفی در مخاصمات مسلحانه، ایران معتقد است
برخلاف نظر ایالات متحده در حوزه حقوق بی‌طرفی در مخاصمه، وضعیتی تحت عنوان
«غیرمخاصم» در میانه دو مفهوم «دولت طرف مخاصمه» و «دولت بی‌طرف» وجود ندارد و
توصیف وضعیت یک دولت به عنوان «غیرمخاصم» نتوانسته منجر به جرح و تعدیل قاعده عرفی
متداول بی‌طرفی در مخاصمات شود.^{۴۹}

ضمن این که ایران برای اثبات عرفی بودن قاعده ممنوعیت ارائه پرچم کشور بی‌طرف به
کشتی دولت متخاصم (ارائه پرچم ایالات متحده به کشتی‌های کویت به عنوان کشور متخاصم)
به دو سند اعلامیه لندن ۱۹۰۹ (ماده ۵۶) و کتابچه سن رمو در مورد جنگ دریایی و همچنین،
دیدگاه دکترین انگلیسی و امریکایی در این خصوص توجه می‌دهد. همچنین، ایران لازم‌الاجرا
بودن قاعده ممنوعیت ارائه پرچم کشور بی‌طرف به کشتی کشور متخاصم را نوعی بیان قاعده
عرفی تلقی می‌نماید.^{۵۰}

در قضیه دیگر، ایران در پرونده «برخی اموال ایران» معتقد بود که ایالات متحده به عنوان
دولت خوانده نسبت به ارائه دسترسی به شرکت‌ها و موجودیت‌های دولتی ایرانی مانند بانک
مرکزی به محاکم داخلی این کشور و همچنین، رعایت مصونیت آنها قصور ورزیده است و این
تعهد نه تنها در معاهده مودت ۱۹۵۵ به عنوان مبنای صلاحیتی دیوان، بلکه در حقوق بین‌الملل
عرفی نیز به رسمیت شناخته شده است. از این رو، ایالات متحده نه تنها تعهد معاهداتی خویش را

⁴⁷ Oil Platforms Case, Observations submitted by Iran, 1994, para 4.

⁴⁸ Oil Platforms Case, Reply submitted by Iran, 1999, para 7.6.

⁴⁹ Ibid., para 6.72.

⁵⁰ Ibid., paras 10.14.

در این خصوص نقض نموده، بلکه اجرای تعهد عرفی متناظر آن را نیز از سوی این کشور رعایت نشده است.^{۵۱}

در ایراد به این خواسته ایران، ایالات متحده اعلام می‌کند که متن و زمینه معاهده مودت حاوی هیچ مقرره‌ای مبنی بر اعطای مصونیت قضایی یا اجرایی به دولت‌های طرف معاهده مزبور یا به موجودیت‌های دولتی ذیربط آنها نیست. ایران نیز عدم صراحت معاهده را در این خصوص به چالش نمی‌کشد اما اعتقاد دارد ملاحظه مصونیت اعطایی به دولت و برخی موجودیت‌های دولتی «شرط لازم دادرسی کامل دیوان برای رسیدگی به ادعای ایران مبنی بر نقض مفاد متعدد معاهده مودت است».^{۵۲} از نظر ایران، برخی مفاد معاهده از جمله بند ۴ ماده ۱۱ و بند ۲ ماده ۴ تا حدی بیانگر مفهوم مصونیت می‌باشند.^{۵۳} نظر ایالات متحده، آغاز عبارت ماده ۴ معاهده مودت با درج «الزامات حقوق بین‌الملل» مرتبط به بحث استانداردها حداقلی رفتار با اموال بیگانگان در کشور میزبان بوده است و ارتباطی به بحث مصونیت اموال در حقوق بین‌الملل ندارد.^{۵۴} دیوان نیز ضمن تأیید استدلال ایالات متحده، دیدگاه ایران را منطبق با موضوع و هدف و حتی عنوان و همچنین، زمینه ماده ۴ معاهده مودت نمی‌داند.^{۵۵} ضمن این که دیوان ادعاهای دیگری ایران را در مورد حمایت از اموال دولتی این کشور در دولت ایالات متحده مبتنی بر قاعده مصونیت دولتی که برخاسته از حقوق بین‌الملل عرفی است، بر این اساس نمی‌پذیرد که ارتباطی میان تعهد به وجود تجارت آزاد میان دو کشور بر مبنای معاهده مودت و مصونیت دولت وجود ندارد. از این رو، ادعای نقض مصونیت اموال دولتی ایران داخل در چارچوب معاهده مودت قرار نمی‌گیرد.^{۵۶}

⁵¹ Certain Iranian Assets (Islamic republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objections, 2019, paras 13-14.

⁵² Ibid., paras 49-50.

⁵³ Ibid., para 51.

⁵⁴ Ibid., para 55.

⁵⁵ Ibid., paras 57-58.

⁵⁶ Ibid., para 79.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی...—————عابدینی و علیزاده

در محضر دیوان دعاوی ایران و ایالات متحده، فرصت‌های متعددی پیش آمده بود که طرف‌های دعوا نسبت به استناد به قواعد عرفی اقداماتی انجام دهند. چند نمونه از استنادات ایران را در این خصوص ذکر می‌کنیم. ایران در خصوص پیامدهای قانونی بودن یا نبودن مصادره در تعیین معیار لازم جهت پرداخت غرامت در اثر مصادره اموال معتقد است که تعیین چنین معیاری باید با ارجاع به حقوق بین‌الملل عرفی انجام شود. از نظر ایران در زمان انجام مصادره به شکل قانونی، اقدامات مرتبط با پرداخت غرامت باید به شکل قابل توجهی کمتر از میزانی باشد که برای مصادره غیرقانونی در نظر گرفته می‌شود و در حالت مصادره غیرقانونی، غرامت باید محدود به حالت «دارا شدن بلاجهت» باشد که از سوی دولت مصادره‌کننده اموال در زمان ملی کردن انجام می‌شود. در حالت قانونی بودن مصادره اموال، هیچ غرامتی از باب تفویت منافع پرداخت نخواهد شد.^{۵۷}

در همین راستا، تصمیم شعبه سوم دیوان در سال ۱۹۸۷ با ریاست میشل ویرالی معتقد است که «به عنوان یک قاعده، رویه دولتی که در موافقت‌نامه‌های حل و فصل اختلافات منعکس شده، اصولاً نمی‌تواند منجر به ایجاد قاعده عرفی در حقوق بین‌الملل شود مگر این که ویژگی‌های خاصی را در بر داشته باشد که بیانگر اعتقاد به رویه‌های حقوقی در مقام بیان چیزی باشد که از نظر آنها به عنوان حقوق قابل اجرا در نظر گرفته شود.» ضمن این که از نظر همین شعبه، یکی از کارکردهای قواعد عرفی آن است که خلأهای معاهداتی را پوشش می‌دهد.^{۵۸}

نکته جالب آن که ایران در پاسخ به ایرادات مقدماتی ایالات متحده در پرونده سکوه‌های نفتی به این قسمت از آورده شعبه سوم دیوان دعاوی ایران و ایالات متحده در خصوص کارکرد قاعده عرفی استناد می‌کند.^{۵۹}

⁵⁷ Amoco International Finance Co. v. Iran, Partial Award, Award No. 310-56-3, 1987, paras 109, 112.

⁵⁸ Ibid., para 252.

⁵⁹ Oil Platforms Case, Observations submitted by Iran, Supra note 47, para 2.16.

ایران در پرونده الف ۱۵ (۲ الف) معتقد است که حقوق بین‌الملل معنای موسعی را برای واژه «اموال» در نظر گرفته است که شامل منافع اموال نیز می‌شود. ضمن این که ایران معتقد است برخی از مثال‌ها در مورد معنای اموال تبدیل به امری جا افتاده در حقوق بین‌الملل شده‌اند و اغلب به عنوان منبع حقوق بین‌الملل عرفی در نظر گرفته می‌شود. در نقطه مقابل، ایالات متحده معتقد است که در حقوق بین‌الملل قاعده خاصی در مورد حقوق اموال وجود ندارد.^{۶۰}

ایران در تصمیم دیوان در خصوص قابلیت طرح دعوی متقابل از سوی ایالات متحده علیه ایران در دیوان دعاوی ایران و ایالات متحده معتقد بود که حقوق بین‌الملل عرفی نمی‌تواند از سوی ایالات متحده به عنوان منبعی مستقل برای اعطای صلاحیت قلمداد شود زیرا صلاحیت دادگاه در حقوق بین‌الملل مبتنی بر خواسته طرفین اختلاف است چنان که در موافقتنامه داوری یا هر سند موجد دادگاه منعکس شده است.^{۶۱}

در عرصه نظرات مشورتی، ایران نظرات کتبی خود را در دو نظر مشورتی در محضر دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرده است. در نظر مشورتی ۱۹۹۶، ایران به عنوان یکی از دلایل ممنوعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای به وجود «اعتقاد حقوقی» نسبت به حق بر حیات و امنیت اشخاص ذیل قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی سازمان ملل در موضوع ممنوعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای اشاره شده است. همین اعتقاد حقوقی را ایران از جمع‌بندی کنفرانس بازنگری و تمدید معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۵ نیز از جمله «اعتقاد به هدف غایی محو کامل سلاح‌های هسته‌ای و یک معاهده برای خلع سلاح کامل و جامع» استنباط می‌کند.^{۶۲} در نظر مشورتی کوزوو نیز، ایران معتقد است دیوان برای بررسی مشروعیت اعلامیه استقلال کوزوو باید به بررسی اصول و قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل از جمله قواعد عرفی در این

⁶⁰ Islamic Republic of Iran v. The United States of America, Partial Award, Award No. 604-A15 (II:A)/A26 (IV)/B43-FT, 2020, paras 74, 128.

⁶¹ Islamic Republic of Iran v. The United States of America, Award No. ITL 83-B1-FT, 2004, paras 27, 46.

⁶² Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Written Statement of Iran, 1996, paras 5-6.

رویگرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی... عابدینی و عزیززاده
زمینه مراجعه نماید. بر همین مبنا، ایران در ادامه معتقد است دیوان باید رویه دولتی، رویه شورای
امنیت و مجمع عمومی را در مسائل مرتبط بررسی نماید.^{۶۳}

۲-۲) رویگرد ایران به قواعد عرفی در کمیته ششم: نگاه حداقلی و حداکثری ایران به گزارش‌های گزارشگر کمیسیون

دولت ایران در سازمان ملل متحد در میانه سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸، در کنار سایر دولت‌ها
نظرات خود را نسبت به گزارش‌های گزارشگر کمیسیون در کمیته ششم مجمع عمومی اعلام
نمودند. شایان ذکر این که دولت ایران هیچ اظهار نظر جداگانه‌ای را در ارتباط با درخواست‌های
کمیسیون برای اطلاع از دیدگاه‌های دولت‌های عضو ملل متحد در خصوص موضوع مطالعاتی
شناسایی قواعد عرفی ارائه ننموده است.^{۶۴}

⁶³ Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo, Written Statement of Iran, 2010, para 1.3.

⁶⁴ شایان ذکر این که برخی دولت‌ها در اجابت به درخواست گزارشگر طرح شناسایی قواعد عرفی حقوق بین‌الملل، نظرات جداگانه خود را برای کمیسیون ارسال کردند. اسامی این دولت‌ها در ادامه آورده می‌شود: بلژیک، بوتسوانا، کوبا، چک، السالوادور، آلمان، ایرلند، روسیه، بریتانیا، ایالات متحده، اتریش، فنلاند، کره جنوبی، هلند، سوئیس، بلاروس، چین، دانمارک، اسرائیل، نیوزیلند، سنگاپور و ازبکستان. از منظر آسیب‌شناسی، نگاهی به فهرست این کشورها از یک سو و اهمیت موضوع شناسایی قواعد عرفی در حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که دولت ایران می‌تواند از ظرفیت موجود در این گونه موارد برای طرح دیدگاه‌های خود و اثرگذاری بهتر بر دیدگاه‌های گزارشگر طرح و اعضای کمیسیون بهره‌مند شود. در واقع، این مجال در زمره موقعیت‌هایی است که دولت ایران در دوران پس از انقلاب تنها در خصوص اثر مخاصمات مسلحانه بر معاهدات از آن استفاده کرده است. ر.ک:

Analytical Guide to the Work of the International Law Commission, Available at: https://legal.un.org/ilc/guide/1_13.shtml#govcoms

Effects of Armed Conflict on Treaties, Available at: https://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_622.pdf

هرچند نماینده ایران در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۵ در کمیته ششم اظهار داشت، تجربه ثابت کرده که به دلایلی برخی دولت‌ها قادر به پاسخگویی به پرسش‌نامه‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل نیستند. در نتیجه، برای رسیدن به یک زمینه مشترک واقعی، کمیسیون باید توجه خاصی به اظهارات نمایندگان دولت‌ها در کمیته ششم و سایر اشکال مکاتبات از سوی دولت‌ها داشته باشد. بنگرید:

Summary record of the 23rd meeting, A/C.6/54/SR.26, 1999, para 70; Summary record of the 11th meeting, A/C.6/60/SR.11, 2005, para 83.

۱-۲-۲) قواعد عرفی و قواعد آمره

در اجلاس شصت و هشتم کمیته ششم در سال ۲۰۱۳، ایران ضمن استقبال از تغییر عنوان طرح از «شکل‌گیری و شناسایی» به «شناسایی» قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، بر تفاوت موجود در نحوه شکل‌گیری قواعد آمره تأکید می‌نماید. تأکید نماینده ایران در این اجلاس بر این تفاوت تا به حدی است که معتقد است در خصوص موضوع قاعده آمره و شرایط شکل‌گیری آن، مطالعات لازم را در قالب تحقیقی مستقل انجام دهد.^{۶۵} نماینده ایران معتقد است که بحث سلسله مراتب در گزارش‌های کمیسیون و به طور کلی، کار کمیسیون مطرح نیست.^{۶۶} همین دیدگاه از سوی نماینده ایران در اجلاس سال ۲۰۱۴ کمیته ششم نیز با این بیان مطرح می‌شود که موضوع مطالعاتی کمیسیون ارتباطی به بحث سلسله مراتب منابع در حقوق بین‌الملل ندارد.^{۶۷} نکته دیگری که ایران به آن اشاره دارد، عدم ایفای نقش از سوی نهاد معترض مستمر در شکل‌گیری قاعده آمره است.^{۶۸} با کنار رفتن موضوع قواعد آمره از قلمرو مطالعاتی کمیسیون، ایران نیز در اظهارنظرهای بعدی، به این موضوع اشاره‌ای نمی‌کند.^{۶۹}

۲-۲-۲) معترض مستمر

^{۶۵} این پیشنهاد در کنار دغدغه‌هایی که کمیسیون داشت در سال ۲۰۱۴ در کمیسیون مطرح و از سال ۲۰۱۵ به صورت رسمی در فهرست مطالعات کمیسیون قرار گرفت. تا کنون نیز ۴ گزارش از سوی آقای «دیره تلادی» از افریقای جنوبی، گزارش ویژه موضوع «قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام» ارائه شده است. ر.ک:

Analytical Guide to the Work of the International Law Commission, Available at: https://legal.un.org/ilc/guide/1_14.shtml

^{۶۶} Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2013, paras 2-3.

^{۶۷} Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2014, para 3.

^{۶۸} Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2013, Supra note 66.

^{۶۹} در این خصوص، ر.ک: عبدالله عابدینی و محمدرضا محمدی، «رویکرد ایران به قاعده آمره» (۱۴۰۱) فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۵۲.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی... عابدینی و عزیزاده

در نشست سال ۲۰۱۳، نماینده ایران تأکید می‌کند که اعتراض مستمر در قاعده آمره راه ندارد.^{۷۰} به فراخور موضوع که گزارش گزارشگر کمیسیون وارد موضوع معترض مستمر می‌شود نماینده ایران نیز از نشست سال ۲۰۱۵ اعلام می‌دارد که اصل معترض مستمر نه تنها یکی از عناصر محوریت دولت در فرایند شکل‌گیری قاعده عرفی است بلکه پیامد طبیعی ماهیت اساساً اجماعی حقوق بین‌الملل عرفی است.^{۷۱} این موضع‌گیری در نشست سال ۲۰۱۸ نیز انعکاس پیدا کرد به طوری که نماینده ایران اظهار نمود، ایران موافق درج اصل معترض مستمر در طرح کمیسیون می‌باشد. از نظر ایران، این گونه اعتراض باید ویژگی‌هایی داشته باشد از جمله این که باید صریح و علنی باشد. ضمن این که کافی است اعتراض را بیان کرد و لزومی ندارد اعتراض ابراز شده جهت واجد اثر بودن، در گذر زمان تکرار شود.^{۷۲} این دیدگاه ایران محل تأمل جدی است به طوری که گزارشگر ویژه کمیسیون در نتایج پایانی مطالعات خود در این خصوص چنین اظهار می‌دارد، قاعده عرفی در قبال معترض مستمر تا زمانی غیرقابل استناد است که وی اعتراض خود را مطرح می‌نماید و به محض این که اعتراض در هر زمان، به طور صریح یا تلویحی کنار گذاشته شد، دولتی که موضع اعتراضی خود را رها کرده، نسبت به قاعده عرفی ملتزم خواهد شد.^{۷۳} از میان شروط لازم برای صحت اعتراض مستمر نیز ایران به ۲ (صریح و علنی بودن اعتراض) مورد از ۴ مورد (علاوه بر ۲ مورد قبلی، شرط زمانی اعلام اعتراض و شرط استمرار اعتراض) مندرج در پیش‌نویس شماره ۱۵ طرح مطالعاتی تأکید دارد.^{۷۴}

۳-۲-۲) توجه به رویه همه دولت‌ها به عنوان محور رویه

نماینده ایران از همان نشست نخست بررسی موضوع مطالعاتی کمیسیون در کمیته ششم بر این موضوع بسیار مهم تأکید می‌کند که رهیافت کمیسیون در توجه به رویه دولتی در نظام حقوقی دنیا و مناطق جغرافیایی مختلف جهان، موجب تقویت جهانشمولی حقوق بین‌الملل

⁷⁰ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2013, para 3.

⁷¹ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2015, para 3.

⁷² Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2018, para 5.

⁷³ Draft Conclusion on Identification of CIL, Supra note 3, Art 15(6).

⁷⁴ Ibid., Art 15(7).

می‌شود و از این رو، کمیسیون نباید صرفاً بر رویه محاکم بین‌المللی در این خصوص تکیه کند.^{۷۵} گزارشگر ویژه نیز بر محوریت و اولویت رویه دولتی بر سایر رویه‌ها از جمله رویه سازمان‌های بین‌المللی تأکید می‌نماید و از سوی دیگر، وجود رهیافت دو عنصری بودن عرف را در تمام رژیم‌های حقوقی بین‌المللی تأیید کرده و آن را همراستای با وحدت و انسجام حقوق بین‌الملل می‌داند. از سویی دیگر، گزارشگر در ماده ۸ پیش‌نویس نهایی اعلام می‌کند که منظور از رویه دولتی آن است که رویه مزبور نماینده مناطق جغرافیایی و منافع مختلف بوده و صرفاً از یک طیف نباشد.^{۷۶} بر همین مبنا، نمایندگان ایران در نشست‌های بعدی بر این امر تأکید داشتند که اولویت در رویه با بررسی رویه کشورهاست و رویه سازمان‌ها بین‌المللی فرع بر رویه کشورها قلمداد می‌شود. بر همین اساس، از نظر ایران، تصمیمات محاکم و دکترین ابزار فرعی شناسایی قواعد عرفی هستند. در همین راستا، نماینده ایران در نشست سال ۲۰۱۸ تأکید دارد که در میان محاکم بین‌المللی نیز رویه دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن قضایی سازمان ملل متحد جایگاه متمایزی نسبت به سایر محاکم دارد و در چرخشی روشن نسبت به اعلام موضع ایران در سال ۲۰۱۵،^{۷۷} نماینده ایران در سال ۲۰۱۸ معتقد است که از آنجایی که رویه قابل قبول قضایی تنها رویه دیوان بین‌المللی دادگستری است؛ در نتیجه، رویه محاکم بین‌المللی دیگر لزوماً نمی‌توانند ابزار فرعی شناسایی قاعده عرفی قلمداد شوند. بر همین اساس، نماینده ایران اعلام می‌دارد رویه محاکم داخلی نیز نمی‌تواند ادله فرعی شناسایی قاعده عرفی باشد زیرا نمایانگر نظام حقوقی دولت متبوع خود است. حتی در چارچوب رویه کشورها نیز رویه شمار اندکی از محاکم داخلی برخی کشورها نمی‌تواند رویه عام پذیرفته شده در شکل‌گیری قاعده عرفی تلقی شود.^{۷۸} ضمن این که نماینده ایران در نشست سال ۲۰۱۶ معتقد است که در هنگام بررسی رویه دولتی

⁷⁵ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2013, paras 2-3.

⁷⁶ Draft Conclusion on Identification of CIL, *Supra* note 3, Arts 2(6), 4(3), 8(3).

⁷⁷ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2015, para 1.

⁷⁸ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2018, para 5.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی... عابدینی و عزیززاده

تنها رویه اثبات شده یک دولت می‌تواند به عنوان ادله قاعده عرفی قلمداد شود.^{۷۹} گزارشگر کمیسیون نیز در توضیح جایگاه رویه قضایی محاکم داخلی اذعان دارد که اثر تصمیمات محاکم ملی به دلیل عدم اجرا، بی‌اثر شدن در اثر تصویب قانون، جایگاه نامطلوب حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی ذیربط، فقدان تخصص در زمینه حقوق بین‌الملل یا عدم توجه به عملکرد دولتی در پرونده مورد بررسی، کمتر از سایر ادله عرفی است.^{۸۰} در خصوص جایگاه رویه قضایی بین‌المللی و دکنترین نیز گزارشگر ویژه همراستا با دیدگاه‌های ایران نکاتی را مطرح می‌نماید از جمله این که جایگاه رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری را به شکل ممتاز مطرح کرده و دکنترین را به عنوان منبع فرعی در احراز قاعده عرفی در نظر می‌گیرد.^{۸۱}

ضمن این که نمایندگان ایران همگی بر این دیدگاه تأکید می‌نمایند که نباید ارزش واحدی به رویه غیردولتی داده شود. از این منظر، مشارکت بازیگران غیردولتی در ایجاد رویه بدون تأیید رویه دولتی نمی‌تواند نشانی از وجود قاعده عرفی باشد؛ هرچند اثر این دسته از بازیگران بر رویه دولتی غیرقابل انکار است و می‌توانند نقش مؤثری در ترویج و رعایت حقوق بین‌الملل ایفا کنند.^{۸۲} از این جهت، نماینده ایران در سال ۲۰۱۵ اعلام می‌کند که رویه این دسته از بازیگران می‌تواند تحت شرایط خاصی مدنظر قرار گیرد.^{۸۳} گزارشگر ویژه نیز ضمن تأیید این دیدگاه اذعان می‌دارد اقدامات انجام شده از سوی بازیگران غیردولتی به شرط ارتباط با عملکرد دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع، این اقدامات بازیگران غیردولتی در ایجاد، تعیین و تفسیر عملکرد دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی کمک‌کننده هستند.^{۸۴}

نکته بسیار مهم در این قسمت آن است که نماینده ایران در سال ۲۰۱۸ در هنگام ارائه کامنت بر پیش‌نویس شماره ۹ کمیسیون معتقد است که اعتقاد حقوقی همه دولت‌ها و همه

⁷⁹ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2016, para 2.

⁸⁰ Draft Conclusion on Identification of CIL, Supra note 3, Arts 3(5), 13(7).

⁸¹ Ibid., Arts 13, 14 (3).

⁸² Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2014, para 2.

⁸³ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2015, para 2.

⁸⁴ Draft Conclusion on Identification of CIL, supra note 3, Art 4 (8).

نظام‌های حقوقی باید مدنظر قرار گیرد تا این که صرفاً تمرکز بر رویه دولت‌های متأثر باشد.^{۸۵} گزارشگر ویژه برخلاف نظر ایران معتقد است یک عنصر جدانشدنی در ارزیابی صفت عمومیت در رویه دولتی، مشارکت دولت‌هایی است که بیشترین ارتباط را از نظر همراهی در ایجاد قاعده مورد بحث دارند. از نظر وی، گرچه همه دولت‌ها در بیشتر مسائل بین‌المللی امکان مشارکت حداکثری دارند اما در برخی موضوعات مانند دریانوردی در دریای آزاد یا سرمایه‌گذاری خارجی، این امر با ویژگی‌های خاص اقتصادی و نظامی یک کشور گره می‌خورد. هرچند این امر لزوماً به معنای توجه صرف به قدرت نسبی یک دولت نیست.^{۸۶}

۴-۲-۲) قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی

نمایندگان ایران در کمیته ششم از همان ابتدا بر موضوع نقش قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی در رویه‌سازی به عنوان ادله اشاره کرده‌اند. در سال ۲۰۱۳، نماینده ایران اعلام می‌دارد رویه دولتی می‌تواند در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد انعکاس پیدا کند. از نظر وی ویژگی این قطعنامه‌ها آن است هر ساله قطعنامه‌های مشابهی در موضوعات خاص در گذر زمان و با نصاب اکثریت تصویب می‌شوند. حتی از نظر وی، آن دسته از قطعنامه‌های مجمع عمومی که عنوان اعلامیه را نیز دارند از این ویژگی‌ها برخوردارند.^{۸۷} در سال ۲۰۱۴، نماینده ایران اعلام می‌کند برخی قطعنامه‌های مجمع عمومی می‌توانند بیانگر اثبات وجود یا ظهور یک قاعده عرفی باشد.^{۸۸} از نظر وی، در این حالت، محتوا و شرایط تصویب قطعنامه باید مورد توجه قرار گیرد. در سال ۲۰۱۵، نماینده ایران در یک موضع‌گیری کلی‌تر اظهار می‌دارد قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی به خصوص مجامع عمومی آنها ارگان‌های سیاسی هستند که نظرشان الزاماً ماهیت حقوقی ندارد. وی در ادامه به نظر دیوان در نظر مشورتی سال ۱۹۹۶ اشاره دارد و معتقد

⁸⁵ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2018, para 5.

⁸⁶ Draft Conclusion on Identification of CIL, supra note 3, Art 8 (4).

⁸⁷ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2013, para 3.

⁸⁸ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2014, para 2.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی... عابدینی و عزیززاده

است ضمن توجه به احراز عناصر مادی و معنوی، محتوا و شرایط قطعنامه ذریبط نیز باید لحاظ شود.^{۸۹} نماینده ایران در سال ۲۰۱۶ در تکمیل مباحث مزبور، تنها آن دسته از قطعنامه‌ها را به عنوان ادله قاعده عرفی برمی‌شمارد که به صورت اجماعی تصویب شده باشند.^{۹۰} در سال ۲۰۱۸ و در ارائه کامنتی بر ماده ۱۲ پیش‌نویس کمیسیون، نماینده ایران ابراز می‌دارد که قطعنامه‌های مصوب سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی لزوماً نمی‌توانند انعکاسی از اعتقاد حقوقی دولت‌ها باشند زیرا توسط ارگان‌های سیاسی به تصویب می‌رسند.^{۹۱} نگاه اخیر، لزوماً به طور کامل با نظرات پیشین نمایندگان ایران هم‌پوشانی ندارد. نکته مهم دیگر در این قسمت آن است که نماینده ایران در سال ۲۰۱۸ اعلام می‌کند رویه دولتی یک دولت به عنوان عضو جامعه بین‌المللی با رویه دولتی یک دولت به عنوان عضو یک سازمان بین‌المللی باید از یکدیگر تفکیک شوند و باید اولویت به رویه دولتی داده شود.^{۹۲} گزارشگر ویژه نیز در تأیید دیدگاه ایران اعلام می‌دارد قطعنامه یا مجموعه‌ای از قطعنامه‌ها به خودی خود مؤید قاعده عرفی نیست و باید در کنار یک اعتقاد حقوقی، چینی برداشتی را از مفاد یک قطعنامه داشت.^{۹۳} وی در ادامه خاطر نشان می‌سازد چون دیدگاه دولت‌ها نسبت به یک قطعنامه بر ملاحظات سیاسی استوار است، در نتیجه باید احراز اعتقاد حقوقی در نهایت احتیاط انجام شود.^{۹۴}

۵-۲-۲) عدم اقدام یا انفعال در زمانی که باید نسبت به رویه در حال شکل‌گیری واکنش نشان داد

در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، نمایندگان ایران در خصوص موضوع عدم اقدام یا انفعال نسبت به رویه در حال شکل‌گیری موضع‌گیری خاصی را ابراز نمودند. نماینده ایران در سال ۲۰۱۵ معتقد است در مورد عدم اقدام یا سکوت در خصوص شکل‌گیری قاعده عرفی باید توجه داشت

⁸⁹ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2015, para 2.

⁹⁰ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2016, para 2-3.

⁹¹ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2018, para 5.

⁹² Ibid., para 4.

⁹³ Draft Conclusion on Identification of CIL, supra note 3, Art 12 (4).

⁹⁴ Ibid., Art 12 (6).

که به دلایل سیاسی، این گونه سکوت یا عدم اقدام نباید اعتبار و ارزش قاعده عرفی را مخدوش کند مانند عدم اقدام در مورد تهدید توسل به زور که بنا به ملاحظات سیاسی، واکنش چندانی را به همراه ندارد. به همین ترتیب، نماینده ایران معتقد است عدم اقدام اثری بر قاعده آمره نخواهد داشت.^{۹۵} در سال ۲۰۱۶، نماینده ایران بر همین موضوع تأکید می‌ورزد. از نظر وی، عدم اقدام دولتی نمی‌تواند به عنوان عملکرد دولتی محسوب شود چون مبتنی بر ملاحظات سیاسی است.^{۹۶} همین ملاحظه در سال ۲۰۱۸ نیز از سوی نماینده ایران مطرح می‌شود.^{۹۷} این در حالی است که گزارشگر ویژه اعلام می‌کند که اهمیت قصور یک دولت در اعتراض به موضوعی، به شرایط متعددی بستگی دارد؛ به خصوص در جایی که اقدامی خاص و دقیق انجام می‌شود و دولت ذیربط از آن آگاهی دارد و از اثر منفی فوری اقدام مزبور بر منافع خویش نیز اطلاع دارد، اما اقدامی انجام نمی‌دهد. از نظر کمیسیون، این گونه رویکرد دولتی، نشانگر پذیرش به عنوان قاعده عرفی است.^{۹۸} در واقع، برخلاف نظر ایران، گزارشگر معتقد است که عدم اقدام می‌تواند تحت شرایطی به عنوان رویه دولتی مدنظر قرار گیرد. از نظر کمیسیون، امتناع عمدی از انجام اقدام لازم یا ترک فعل لازم می‌تواند نقش مورد نظر را در رویه دولتی ایفا کند. از نظر وی، دولتی که از فعل یا ترک فعلی امتناع می‌کند باید این امتناع آگاهانه باشد مانند خودداری از تعقیب کیفری علیه مقامات دولت خارجی یا امتناع از توسل به زور.^{۹۹} گزارشگر در بخش مربوط به اعتقاد حقوقی به نکته دیگری در این خصوص اشاره دارد و اظهار می‌دارد، درگیری شدن در فرایند یک قاعده عرفی یا در موقعیت واکنش نشان دادن به آن، اعتقاد حقوقی یک دولت را عیان خواهد کرد.^{۱۰۰} در جای دیگری، گزارشگر اذعان می‌دارد، عدم واکنش در یک زمان معقول نیز

⁹⁵ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2015, para 2.

⁹⁶ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2016, para 2.

⁹⁷ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2018, para 4.

⁹⁸ Draft Conclusion on Identification of CIL, Supra note 3, Art 3 (5).

⁹⁹ Ibid., Art 6 (3).

¹⁰⁰ Ibid., Art 4 (9).

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی... عابدینی و عزیزاده
می‌تواند بیانگر عقیده حقوقی یک دولت باشد.^{۱۰۱} بر همین مبنا، گزارشگر برای عدم اقدام یا واکنش دو شرط در نظر می‌گیرد: یکی آن که واکنش به عملکرد ذیربط خواسته شده باشد و دوم آن که دولت در موقعیت انجام واکنش بوده و می‌دانسته که رویه‌ای در حال انجام است و زمان و توانایی کافی برای پاسخگویی داشته، اما اقدامی انجام نداده است.^{۱۰۲}

۶-۲-۲) ارتباط تصویب معاهدات با گستره وسیع اعضا و قاعده عرفی

ایران در سال ۲۰۱۵ اعلام می‌کند که در خصوص معاهدات شبه‌جهانی و ارتباط آن با ایجاد قاعده عرفی با نظر گزارشگر کمیسیون هم‌سوست؛ به این شکل که صرف پیوستن دولت‌ها به معاهدات، قواعد معاهداتی را به قواعد عرفی تبدیل نمی‌کند و دلیلی بر اعتقاد جامعه بین‌المللی مبنی بر ظهور قاعده عرفی نیست. از طرف دیگر، ماهیت معاهدات شبه‌جهانی نیز نمی‌تواند به خودی خود موجب قاعده عرفی باشد و باید معیارهایی برای تجلی قاعده عرفی در اثر این معاهدات در نظر گرفته شود. نماینده ایران به قاعده عبور ترانزیت در کنوانسیون ملل متحد در زمینه حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲ اشاره دارد و معتقد است به‌رغم پذیرش آن از سوی بیشتر دولت‌ها، هنوز هم به عنوان توسعه مترقیانه حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و تبدیل به قاعده عرفی نشده است.^{۱۰۳} این در حالی است که گزارشگر کمیسیون در ماده ۱۱ پیش‌نویس خود به امکان تبدیل قاعده معاهداتی با گستره اعضای قابل توجه به قاعده عرفی صحبت کرده است و نماینده ایران در سال ۲۰۱۸ در موضع‌گیری نسبت به دیدگاه گزارشگر و کمیسیون معتقد است ایران نمی‌پذیرد که معاهدات با گستره وسیع اعضا بتواند به تنهایی به عنوان عاملی برای احراز قاعده عرفی تلقی شود و این عامل تنها یک عنصر برای احراز قاعده عرفی قلمداد خواهد شد. این دیدگاه ایران در متن پایانی گزارشگر در سال ۲۰۱۸ مورد تأیید قرار گرفته است. وی در این

¹⁰¹ Ibid., Art. 10 (8).

¹⁰² Ibid.

¹⁰³ Statements of the Representative of Iran before the 6th Committee, 2015, para 1.

خصوصاً اعلام می‌کند، شمار اعضای معاهده عنصر مهمی در تعیین عرفی بودن قواعد مندرج در آن معاهده محسوب می‌شود؛ معاهداتی که با پذیرش تقریباً جهانی همراه بوده‌اند، می‌توانند مثال خوبی در این خصوص قلمداد شوند.^{۱۰۴}

۷-۲-۲) توجه گزارشگر ویژه کمیسیون به اظهارات ایران در کمیته ششم

نکته مهمی که باید بدان توجه داشت آن است که گزارشگر ویژه کمیسیون نیز نتایج نهایی مطالعاتی خود را از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ انعکاسی از رهیافت پذیرفته شده از سوی دولت‌ها، محاکم، نهادهای بین‌المللی و بیشتر نویسندگان می‌داند.^{۱۰۵} از این رو، وی نقطه آغاز و محور رهیافت کلی خود را رویه دولتی می‌داند. در این مورد، گزارشگر در برخی از گزارش‌های خود در خصوص ارجاع به نظرات ابراز شده دولت‌ها در کمیته ششم، به دیدگاه‌های ایران نیز اشاراتی داشته است. در گزارش دوم گزارشگر در سال ۲۰۱۴، گزارشگر در میان سایر کشورها از ایران نیز به عنوان کشور حامی دیدگاه دو عنصری بودن عرف یاد کرده است.^{۱۰۶} همچنین، به دیدگاه ایران در کنار سایر کشورها مبنی بر اتخاذ رویکرد واحد نسبت به احراز قاعده عرفی در تمامی شاخه‌های حقوق بین‌الملل اشاره شده است.^{۱۰۷} کمیسیون در خصوص وزن و جایگاه رویه بازیگران غیردولتی به دیدگاه کشورهای چینی نیز اشاره دارد و معتقد است که عملکرد آنها را نباید به عنوان رویه مدنظر در شکل‌گیری قاعده عرفی در نظر گرفت.^{۱۰۸} در گزارش سوم،

¹⁰⁴ Ibid., Art. 11 (3).

¹⁰⁵ Ibid., General Commentary, para 4.

¹⁰⁶ Second report on identification of customary international law, [A/CN.4/672](#), 2014, para 9.

¹⁰⁷ Ibid., para 12.

¹⁰⁸ Ibid., para 33.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی...—————عابدینی و عزیززاده

گزارشگر به طور خاص به دیدگاه ایران مبنی بر توجه به رویه سازمان‌های بین‌المللی در پرتو رویه دولتی اشاره صریحی دارد و دیدگاه ایران را به طور خاص بیان می‌نماید.^{۱۰۹}

در گزارش پنجم و پایانی، گزارشگر به دیدگاه‌های ابراز شده ۵۰ کشور از جمله ایران در کمیته ششم اشاره می‌نماید.^{۱۱۰} در باب ضرورت تفکیک رویه دولت عضو از رویه سازمان بین‌المللی، گزارشگر صراحتاً دیدگاه ایران را در متن گزارش خود به این شکل درج می‌نماید که ایران معتقد است رویه دولت عضو سازمان بین‌المللی و خود سازمان باید به طور جداگانه مدنظر قرار گیرد و تنها رویه تثبیت شده دولت‌ها می‌تواند به عنوان ادله شکل‌گیری عرف مدنظر قرار گیرد.^{۱۱۱} در همین بخش، گزارشگر در کنار دیدگاه سایر کشورها، دیدگاه ایران را در خصوص وزن و اهمیت قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی در روند شکل‌گیری عرف به صراحت به این شکل درج می‌نماید: «ایران معتقد است مبنای اثباتی قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی [در شکل‌گیری قاعده عرفی] همچنان محل ابهام است زیرا چنین قطعنامه‌هایی در برهه‌های زمانی مختلف توسط ارگان‌های سیاسی تصویب می‌شوند و بیانگر اعتقاد حقوقی نیستند.»^{۱۱۲}

۳) تحلیلی بر رویکرد ایران به شکل‌گیری قاعده عرفی

برای تحلیل رویکرد ایران به قاعده عرفی در سطوح مختلف اعم از دادرسی‌های بین‌المللی و طرح مطالعاتی کمیسیون حقوق بین‌الملل و سایر حوزه‌ها از جمله اعلام مواضع وزارت خارجه در موضوعات مختلف یا مکاتبات دیپلماتیک ایران با سازمان‌ها یا کشورهای دیگر، باید زمینه خاص هر وضعیت را در نظر گرفت. در واقع، هنگامی که بحث از استناد به قواعد عرفی یا حتی نحوه احراز یا رد وجود یک قاعده عرفی در میان باشد، به نظر می‌رسد که رویکرد یک کشور می‌تواند تا حدی متفاوت باشد. در این خصوص نکاتی را باید به خاطر داشت. نخستین نکته آن است که

¹⁰⁹Third report on identification of customary international law, [A/CN.4/682](#), 2015, para 48.

¹¹⁰Fifth report on identification of customary international law, [A/CN.4/717](#), 2018, para 5.

¹¹¹Ibid., para 18.

¹¹²Ibid., para 40.

در ساحت دادرسی‌های بین‌المللی، دولت خواهان یا خواننده سعی خواهد داشت برای پیش‌برد مواضع خویش در صورت اقتضا، به قواعد عرفی استناد ورزد و در این مسیر، ادله مختلفی با وزن‌ها و درجه اهمیت متفاوت از یکدیگر برای اثبات وجود قاعده مزبور ارائه کند. از این جهت، میدان دادرسی‌های بین‌المللی جایی است که طرفین دعوا برای اثبات قاعده‌ای که تأمین‌کننده مواضع آنها در دعوا باشد، به کمترین ادله ممکن و با پایین‌ترین آستانه لازم استناد می‌ورزند.

همین رویکرد در زمینه مکاتبات دیپلماتیک نیز جاری است؛ زیرا در این گونه یادداشت‌ها نیز دولت ارائه‌کننده یادداشت در صدد است در جهت توجیه منافع و مواضع خود، به حداقل ادله و آستانه لازم جهت اثبات قاعده متوسل شود. این در حالی است که اگر دولت ذریب‌در صدد رد مواضع دولت رقیب در استناد به قواعد عرفی باشد؛ سعی می‌کند تا با ارائه دلایلی علیه استناد دولت مقابل، در وهله نخست، وجود قاعده عرفی و در گام دوم، امکان استناد علیه ذریب‌در را به چالش بکشد. در گام پایانی نیز این امکان وجود دارد که دولت مدعی اعلام نماید نسبت به عناصر و جنبه‌های مختلف یک قاعده عرفی به نحوی که طرف استنادکننده مدعی است بدان التزام دارد، التزام ندارد. به عنوان مثال، ممکن است دولتی مدعی شود که اقدامات تروریستی یکی از استثنائات موجود در قاعده عرفی مصونیت دولت تلقی می‌شود^{۱۱۳} یا این که ارتکاب جنایات بین‌المللی از سوی مقامات دولت خارجی مانع از امکان اعمال مصونیت کیفری برای این دسته از اشخاص در محاکم داخلی سایر کشورها می‌شود،^{۱۱۴} در حالی که دولت یا دولت‌های

¹¹³ Carmen-Cristina CÎRLIG and Patryk PAWLAK, Justice against Sponsors of Terrorism: JASTA and its International Impact (2016), pp 8-9, Available at: [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2016/593499/EPRS_BRI\(2016\)593499_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2016/593499/EPRS_BRI(2016)593499_EN.pdf)

¹¹⁴ در این خصوص می‌توان به اقدام کمیسیون حقوق بین‌الملل در درج ماده ۷ پیش‌نویس مربوط به طرح مطالعاتی «مصونیت مأموران رسمی از صلاحیت کیفری خارجی» اشاره کرد که برخلاف مقرر عرفی مستقر گفته شده، در زمان ارتکاب جنایات بین‌المللی از سوی مأموران رسمی از جمله ژنوسید، جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی، شکنجه و ناپدیدسازی اجباری، مصونیت شغلی مأمور ذریب‌در مدنظر قرار نخواهد گرفت. ر.ک:

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی... عابدینی و علیزاده
دیگری چنین بخش یا جزیی از قاعده مصونیت را به رسمیت نشناخته و در قبال آن رویکرد
معترض مستمر را اتخاذ نموده باشند.

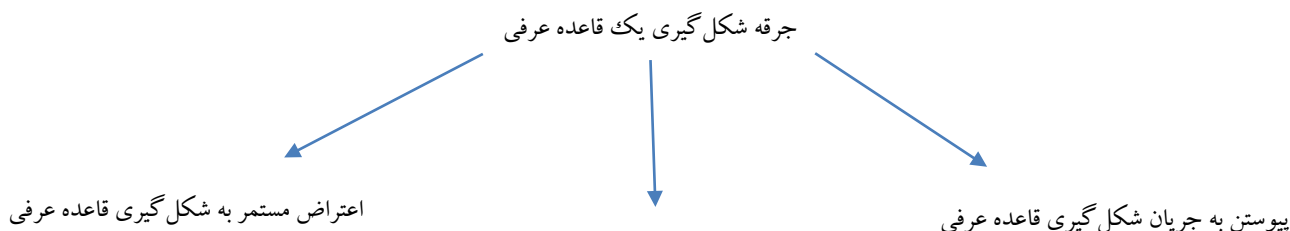
نکته دوم میزان مشارکت یک دولت نسبت به فرایند ایجاد قاعده عرفی است. در این مسیر،
حالت‌های مختلفی برای یک دولت می‌تواند قابل تصور باشد. ابتکار آغاز حرکت یا جرقه
شکل‌گیری یک قاعده عرفی؛ همراهی با دولت یا دولت‌های دیگر در شکل‌گیری قاعده عرفی؛
عدم اقدام یا انفعال نسبت به شکل‌گیری یک قاعده عرفی؛ اعتراض مستمر به شکل‌گیری یک
قاعده عرفی. در حالت دوم یعنی همراهی با دولت یا دولت‌های دیگر در شکل‌گیری یک قاعده
عرفی نیز فرض مختلفی متصور است: دولت ذریب‌تمام اجزای قاعده عرفی در حال شکل‌گیری
را پذیرفته است یا این که دولت ذریب‌تنها به بخش‌هایی از قاعده عرفی ذریب‌اعتقاد دارد و
سایر جنبه‌های قاعده مزبور را به رسمیت نمی‌شناسد. از این رو، نسبت به این قسمت از قاعده
عرفی، اعتراض مستمر دارد. در فرض انفعال نیز دو حالت قابل تصور است: دولت ذریب‌از ابتدا
به شکلی آگاهانه نسبت به شکل‌گیری قاعده عرفی اتخاذ موضع نمی‌کند یا این که بعد از
اعتراض اولیه، به اعتراض خود ادامه نمی‌دهد یا شکل و محتوای اعتراض ذریب‌دچار تشتت و
ناهمگونی بسیار است. دیدگاه دولت ایران در این میان بر آن است که از یک سو، عدم اقدام یا
انفعال را به عنوان یک اقدام سازنده در جریان قاعده عرفی تلقی نمی‌کند و از سوی دیگر، قاعده
معترض مستمر را به شرط صراحت و علنی بودن و بدون لزوم تکرار در گذر زمان واجد اثر
قلمداد می‌نماید. با توجه به یافته‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مطالعاتی «شکل‌گیری
قواعد حقوق بین‌الملل عرفی» این رویکرد مربوط به پیامدهای انفعال، به طور کامل و رویکرد
عدم الزام به تکرار اعتراض به نحو مستمر، به طور جزیی رد شده است.

Eighth report on immunity of State officials from foreign criminal jurisdiction, by
Concepción Escobar Hernández, Special Rapporteur, A/CN.4/739 (2020), p 21

ضمن این که دولت ایران نیز در زمان بررسی طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل نسبت به چنین استثنایی در کمیته ششم
حقوقی نظر مساعدی نداشته است. Statements made by the representative of Iran before Sixth

Committee (2017), Available at: <https://www.un.org>

نمودار نخست: واکنش‌های قابل تصور در زمان نخستین جرعه شکل‌گیری قاعده عرفی



انفعال و عدم اقدام آگاهانه در شکل‌گیری قاعده عرفی

(اعم از عدم اقدام از زمان شکل‌گیری قاعده عرفی یا انفعال پس از اعتراض نخستین یا اعتراض پراکنده و ناهمگون به شکل‌گیری قاعده عرفی)

در بررسی دو رویکرد ایران و کمیسیون، به نظر می‌رسد که رویکرد کمیسیون قابل قبول است زیرا از نظر منطقی نمی‌توان رویکرد آگاهانه یک دولت نسبت به جریان ایجاد یک قاعده عرفی را که در مقام رد یا قبول تمام یا بخش‌هایی از آن قرار گرفته است، در فرایند ایجاد قاعده عرفی نادیده انگاشت. دولت ایران بر همین اساس، دیدگاه ایالات متحده در زمینه ترسیم خطوط مبدأ مستقیم در سواحل خلیج فارس و دریای عمان (در سال ۱۳۵۲ شمسی) را ۲۰ سال (در سال ۱۳۷۲ شمسی) پس از ترسیم این خطوط توسط ایران، به عنوان سکوت حاکی از رضایت ایالات متحده قلمداد کرده و اعتراض این کشور را پس از گذشت ۲۰ سال، مورد شناسایی قرار نمی‌دهد.^{۱۱۵} همین رویکرد نیز در خصوص انفعال یا عدم اقدام در زمینه ایجاد قاعده عرفی نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. بدیهی است نمی‌توان منطق موجود در سکوت حاکی از

^{۱۱۵} برای مشاهده تفصیل این موضوع، ر.ک: جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان، «تفسیر دوگانه از کنوانسیون حقوق دریاها و قانون مناطق دریایی ایران و اعتراض امریکا» (۱۳۷۵) مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۵، صص ۱۱۳-۸۹؛ امیرحسین رنجبریان و ساسان صیرفی، «بررسی خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان و اعتراض کشورهای دیگر به آن» (۱۳۹۲) مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۸، صص ۶۴-۳۵.

رویکرد ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی...—————عابدینی و عزیزاده رضایت را با منطق موجود در انفعال یا عدم اقدام آگاهانه در زمان شکل‌گیری یک قاعده عرفی یکسان ندانست.

در خصوص عدم الزام به استمرار اعتراض به ایجاد قاعده عرفی از سوی دولت معترض مستمر نیز باید چنین گفت که این دیدگاه ایران قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد. به عنوان مثال، آیا می‌توان صرف اعتراض یکبار دولت امارات به موضوع حاکمیت بر جزایر سه‌گانه ایرانی تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی را برای استمرار ادعای این کشور در این مورد، مؤثر در مقام دانست؟^{۱۱۶} گرچه موضوع ذیربط در زمینه اعراض از حق یا ادعا مورد بحث قرار می‌گیرد اما نمی‌توان منطق موجود در اعراض از حق یا ادعا را از منطق موجود در اعتراض مستمر نسبت به شکل‌گیری یک قاعده عرفی، دو وجه جداگانه تلقی کرد. ضمن این که اقتضای استمرار در عنوان «معارض مستمر» نیازمند استمرار اعتراض به شکل یکپارچه در گذر زمان می‌باشد. چه این که می‌توان عدم استمرار در اعتراض را در گذر مدت زمانی معقول و بنا به شرایط و اوضاع و احوال خاص هر مسأله، به عنوان تغییر رویکرد کشور مزبور تلقی کرد. در غیر این صورت، همواره مسیر سوءاستفاده از عدم استمرار در اعتراض به شکل‌گیری یک قاعده عرفی برای کشور معترض فراهم است که در زمان لازم، خود را نسبت به قاعده شکل گرفته به عنوان معترض مستمر قلمداد کند یا این که اگر منافعتش اقتضای تأیید وجود و اجرای قاعده عرفی شکل گرفته را داشته باشد، اعلام نماید که عدم استمرار اعتراض وی نشانی از پذیرش قاعده عرفی مزبور بوده است.

رویکردهای دیگر ایران نسبت به شکل‌گیری قاعده عرفی از جمله محوریت و اولویت‌دهی به رویه دولتی نسبت به رویه سازمان‌های بین‌المللی، توجه به رویه بازیگران غیردولتی در پرتو رویه دولتی، توجه به تأثیر قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شکل‌گیری قاعده

^{۱۱۶} به عنوان نمونه، دولت ایران در پاسخ به ادعاهای متعدد دولت امارات و سازمان همکاری کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، ادعاهای امارات بر جزایر سه‌گانه را بی‌پایه و اساس دانسته و آمادگی خود را برای مذاکره جهت رفع سوء تفاهم‌ها اعلام نموده است. ر.ک:

Letter dated 21 December 2020 from the Permanent Representative of the Islamic Republic of Iran to the United Nations addressed to the Secretary-General and the President of the Security Council, S/2020/1271.

عرفی، اهمیت اندک رویه قضایی محاکم داخلی کشورها، توجه ویژه به رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری، عمدتاً با دیدگاه‌های کمیسیون همسو بوده است و در برخی موارد، گزارشگر ویژه را واداشته تا عین عبارات ابراز شده از نماینده ایران در کمیته ششم را در متن گزارش خویش به عنوان تأیید دیدگاه خود درج نماید. وجه مثبت این امر، مشارکت حداکثری ایران در یکی از مهم‌ترین مطالعات کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص منابع حقوق بین‌الملل می‌باشد؛ موضوعی که در خصوص سایر منابع در دست مطالعه از جمله قواعد آمره و اصول کلی نیز در حال انجام است. وجه مکمل این اقدام ایران، ارائه نظرات کتبی در پاسخ به پرسشنامه ارسالی کمیسیون در خصوص موضوع مورد مطالعه است. در مورد خاص قواعد عرفی نیز نماینده ایران در سال ۲۰۱۶ در کمیته ششم اعلام نمود که ایران نظرات خود را در مورد تمام مواد پیش‌نویس گزارشگر تا سال ۲۰۱۸ ارائه خواهد نمود اما چنین اتفاقی نیفتاد و در سال ۲۰۱۸، نماینده ایران در کمیته ششم، نسبت به برخی از مواد پیش‌نویس نهایی شده گزارشگر اظهار نظر نمود.^{۱۱۷}

^{۱۱۷} ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا اعمال یکجانبه نیز در شکل‌گیری قواعد عرفی دخیل هستند یا خیر؟ به طور مثال، آیا نامه ایران به دبیرکل سازمان ملل متحد مبنی بر حرمت تولید، اکتساب و استفاده از سلاح هسته‌ای می‌تواند منجر به ایجاد نوعی قاعده عرفی شود؟ همان‌گونه که در کار کمیسیون و همچنین، مطالعه انجمن حقوق بین‌الملل آمده، وقتی صحبت از رویه دولتی به عنوان عنصر مادی شکل‌گیری قاعده عرفی می‌شود، در نتیجه، این رویه می‌تواند متضمن اعلامیه‌ها و اقدامات یکجانبه دولت‌ها نیز قرار گیرد و به تعبیری، قسمت عمده اقدامات دولت‌ها در عرصه بین‌المللی، به نوعی عمل یکجانبه تلقی می‌شوند مانند یادداشت‌های دیپلماتیک، اسناد منتشره از سوی دولت‌ها در زمینه حقوق بین‌الملل، اعمال مرتبط با پیوستن به معاهدات، اعلام نظر در سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی. با این حال، همان‌گونه که مطالعه دیگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد تنها آن دسته از مقامات دولتی می‌توانند نسبت به ابراز اعلامیه یکجانبه از سوی دولت خود عمل نمایند که ضمن داشتن صلاحیت اعلام نظر در آن حوزه خاص (مانند رئیس حکومت و وزیر خارجه به طور عام و وزیر دفاع در امور خاص دفاعی کشور)، به طور علنی بیان شده و نوعی انتظار را برای مخاطبان آن اعلامیه یا عمل یکجانبه (اعم از جامعه بین‌المللی در کل یا جمعی از تابعان حقوق بین‌الملل) مبنی بر ایجاد حقوق یا تعهدات به نفع آنها به وجود آورد. از این رو، ارتباط میان شکل‌گیری قاعده عرفی و عمل یکجانبه باید در پرتو موارد گفته شده باشد. نکته دیگر این که یکجانبه‌گرایی نیز ممکن است بر ایجاد فرایند یا تغییر قاعده عرفی اثرگذار باشد به شرطی که حمایت تدریجی سایر

نتیجه‌گیری

در میان منابع حقوق بین‌الملل، قواعد عرفی دارای ویژگی‌های خاصی از جمله در تعامل با قواعد معاهداتی هستند. اما دشواری تعیین وجود قاعده و همچنین، تعیین محتوا و اجزای آن موجب شد تا در خصوص نحوه شکل‌گیری و شناسایی این دسته از قواعد، همگونی چندانی در رویه دولتی وجود نداشته باشد. بر اساس همین ضرورت، کمیسیون حقوق بین‌الملل برای تعیین نوعی روش‌شناسی در تعیین و شناسایی قواعد عرفی نتایج تحقیقات ۶ ساله خود را در سال ۲۰۱۸ به صورت اصول راهنما ارائه نمود.

در طول این ۶ سال، دولت ایران نیز در کنار سایر دولت‌های حاضر در کمیته ششم مجمع عمومی، دیدگاه‌های خود را نسبت به مطالعات کمیسیون حقوق بین‌الملل و به طور خاص، طرح کمیسیون در مورد قواعد عرفی ابراز نمود. مطالعه تطبیقی دیدگاه ایران و کمیسیون در مورد نحوه احراز قواعد عرفی نشان می‌دهد که در برخی جنبه‌ها شاهد نوعی واگرایی و در برخی موضوعات، شاهد نوعی همگرایی تقریبی هستیم. این که یک دولت باید لزوماً منطبق با دیدگاه‌های کمیسیون، دیدگاه‌های حقوقی بین‌المللی خود را تنظیم و ارائه کند، امری غیرقابل قبول است. با این حال، اگر دیدگاه‌های کمیسیون را مبتنی بر خرد جمعی ۳۴ حقوقدان بین‌المللی حاضر در کمیسیون قلمداد کنیم، هرگونه انحراف از این معیار علمی باید مبتنی بر دلایل منطقی و

کشورها را نیز به همراه داشته باشد مانند استثنا تلقی کردن ارتکاب یا حمایت از اقدامات تروریستی از قاعده عرفی مصونیت دولت توسط ایالات متحده در سال ۱۹۹۶ و پیروی کانادا از آن در سال ۲۰۱۲ که همان‌گونه که مشخص است طی بیش از ۲۶ سال از رویکرد یکجانبه‌گرایی ایالات متحده تنها یک دولت به این رویکرد اقبال نشان داده است. ر.ک:

Identical letters dated 20 April 2010 from the Permanent Representative of the Islamic Republic of Iran to the United Nations addressed to the Secretary-General and the President of the Security Council, A/64/752- S/2010/203, 2010, p 1; Draft Conclusion on Identification of CIL, General Commentary, Supra note 3, pp 132-134; ILA London Conference, Supra note 6, p 14; Guiding Principles Applicable to Unilateral Declarations of States Capable of Creating Legal Obligations, (2006), pp 372-374; Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy), ICJ Reports, 2012, para 88.

راهبردهای حقوقی بین‌المللی یک کشور باشد. بررسی تطبیقی دیدگاه ایران و کمیسیون نشان می‌دهد، ایران تا حد قابل توجهی نسبت به طرح مطالعاتی کمیسیون احساس نزدیکی دارد چرا که بیشتر موازین مطرح شده در طرح مطالعاتی کمیسیون و اصول راهنمای پایانی، بیان رویکرد مستقری است که در میان بیشتر دولت‌ها وجود دارد و به رسمیت شناخته شده است. با این حال، جدایی دیدگاه ایران از کمیسیون حقوق بین‌الملل در برخی مسائل مانند معترض مستمر و انفعال یا عدم اقدام نیازمند تأمل است. هرچند همین موضوع در رویکرد دولت‌های دیگر نیز نسبت به دیدگاه‌های کمیسیون قابل مشاهده است. این امر حاکی از رویکرد کلی در میان کشورهاست: تبیین، تشریح و سمت و سو دادن به روند شکل‌گیری قواعد حقوقی بین‌المللی به نحوی که به بهترین نحو ممکن منافع (کوتاه یا بلند مدت) کشور ذریبط را برآورده سازد. به نظر می‌رسد برخی تعارض دیدگاه‌ها در میان نمایندگان ایران در مسائل مرتبط با مطالعه کمیسیون در کمیته ششم نیز مؤید این امر باشد.